

Appropriateness in Qur'anic Communication: A Strategic Framework for Effective Verbal and Non-Verbal Interaction

Hossein Qashqaei¹

Received: 2025-01-10, Accepted: 2025-09-22

Doi: 10.22034/rcc.2025.2048796.1191

Extended Abstract

Introduction and Research Context

In contemporary communication studies, emphasis is predominantly placed on message clarity, feedback mechanisms, and psychological or technical dimensions of interaction. However, the principle of appropriateness (proportionality)—defined as the alignment between message content, form, timing, and audience characteristics—has received comparatively limited attention, particularly in the field of religious and value-based communication. The Holy Qur'an, as a divine and inherently communicative text, presents a rich and systematic model of communication that integrates ethical, cultural, cognitive, and spiritual considerations.

This study approaches the Qur'an not merely as a doctrinal or theological text, but as a comprehensive framework for effective communication, wherein appropriateness functions as a central strategic principle governing both verbal and non-verbal interactions.

Research Objective and Gap

Although previous studies have addressed aspects of effective communication, ethics of discourse, and religious messaging from Qur'anic perspectives, appropriateness has not been examined as an independent, macro-level communication strategy. The absence of a systematic and theory-driven analysis of this principle constitutes a notable research gap.

The primary objective of this study is to extract, conceptualize, and analyze the principle of appropriateness in Qur'anic communication and to formulate a strategic framework that explains how proportionality in message delivery enhances understanding, legitimacy, and persuasive effectiveness. The study also seeks to demonstrate the applicability of this framework to contemporary interpersonal, intercultural, and religious communication contexts.

Methodology

The research adopts a qualitative descriptive–analytical methodology based on library research and qualitative content analysis. The primary data consist of Qur'anic verses that explicitly or implicitly address communication between God and humans, among

1. Assistant Professor, Department of Communication Law, Faculty of Culture and Communication, Soore International University, Tehran, Iran.
Email: g1111h@yahoo.com

humans themselves, and between humans and adversarial entities such as Satan. Using purposive sampling, relevant verses were selected and analyzed through reference to classical and contemporary Qur'anic exegesis, scholarly articles, and theoretical literature in communication studies. The extracted themes were categorized and analytically compared with modern communication theories in order to construct an integrative and conceptually coherent framework of appropriateness-based communication.

Findings

The findings indicate that appropriateness is a foundational and pervasive principle in Qur'anic communication, manifesting across multiple dimensions:

1. Divine–Human Communication:

The Qur'an employs differentiated communicative strategies based on human spiritual capacity, moral readiness, and intentionality. Guidance, warning, mercy, and severity are proportionally applied, reflecting a precise alignment between message intensity and audience receptivity.

2. Ethical and Behavioral Regulation:

The degree of communicative firmness in commands and prohibitions corresponds to the ethical weight and social consequences of actions. Severe moral transgressions are addressed through intensified discourse, demonstrating proportional deterrence as a communicative strategy.

3. Interpersonal and Social Communication:

Qur'anic teachings emphasize moderation in tone, justice in speech, and harmony between verbal and non-verbal behavior. Appropriateness in speech, conduct, and emotional expression is presented as a prerequisite for meaningful and constructive social interaction.

4. Faith-Based and Intercultural Communication:

The Qur'an explicitly recognizes diversity in beliefs, cultures, and cognitive capacities. Accordingly, it advocates adaptive communication strategies that respect cultural context, prior beliefs, and levels of understanding, thereby reducing misunderstanding and conflict.

Overall, the Qur'anic model positions appropriateness not as a peripheral technique, but as a comprehensive strategic framework integrating ethics, psychology, culture, and spirituality.

Discussion and Implications

The analysis demonstrates that appropriateness-based communication enhances meaning-making, trust, and persuasive legitimacy. In contrast to many contemporary communication models that prioritize efficiency and feedback, the Qur'anic framework foregrounds ethical proportionality and audience-centered alignment.

This perspective offers significant implications for religious communication, family relations, intercultural dialogue, and value-oriented media practices. By emphasizing proportionality rather than uniformity, the Qur'anic approach provides a flexible yet principled model capable of addressing complex communicative challenges in pluralistic societies.

Conclusion

This study concludes that appropriateness constitutes a core strategic principle in Qur'anic communication, governing both the content and form of discourse across

diverse contexts. By systematically articulating this principle, the research contributes to the advancement of religious communication studies and proposes a normative framework applicable to contemporary communication theory and practice. Effective and sustainable communication, as demonstrated by the Qur'anic model, requires not only clarity and persuasion, but also ethical proportionality, contextual sensitivity, and respect for human diversity.

Keywords: Qur'anic Communication; Appropriateness Strategy; Verbal Communication; Non-Verbal Communication; Religious Communication; Ethical Communication

بررسی تناسب در راهبردهای ارتباطات قرآنی

حسین قشقایی^۱

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱، پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

DOI: 10.22034/rcc.2025.2048796.1191

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی راهبردهای تناسب در ارتباطات قرآنی انجام شده است. قرآن کریم به عنوان منبعی الهی و ارزشمند، اصول و الگوهای کاربردی برای ایجاد ارتباطات مؤثر، پایدار و اخلاق محور ارائه می دهد. در این تحقیق، با روش تحلیلی - توصیفی و با بهره گیری از منابع قرآنی و تفسیری، مفاهیم تناسب در ارتباطات کلامی و غیرکلامی مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها نشان می دهد قرآن در مواردی حکم به رعایت تناسب های خاص کرده و همچنین تناسب ها را در گفتار، رفتار به عنوان عوامل کلیدی در انتقال بهینه پیام و بهبود ارتباطات انسانی بیان کرده است. قرآن کریم در نگاه کلی تناسب های: باورها، نگرش ها، فطرت انسانی، ایمان و فرهنگ در مخاطب را مورد توجه قرار داده است و این اصول را در تعامل با خداوند، پیامبران، انسان ها و حتی دشمنان مانند شیطان به وضوح بیان می کند. همچنین، نقش تناسب در مواجهه با گناهان، تقویت روابط خانوادگی، و مدیریت ارتباطات میان فرهنگی به عنوان بخش های مهمی از این راهبردها معرفی شده است.

کلیدواژه ها: قرآن کریم، تناسب، ارتباطات کلامی، ارتباطات غیرکلامی

۱. استادیار، گروه حقوق ارتباطات، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه بین المللی سوره، تهران، ایران.
Email: g1111h@yahoo.com

مقدمه

هدف کلی ارتباطات کلامی تغییر یا اصلاح در منبع معنای شنوندگان است به طوری که در آنها تغییر الگوی رفتاری دیده شود گرچه در عالم واقعیت امکان تحقق ندارد که نحوه واکنش گیرنده پیام پیش‌بینی شود ولی در همین حال ارتباطات کلامی نظم و هماهنگی اجتماعی را تأمین می‌کند (باستانی، ۱۳۸۶، ص. ۴۶).

در جهان امروز که ارتباطات انسانی نقشی کلیدی در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و دینی ایفا می‌کند، تحلیل و بازشناسی اصول و عوامل اثرگذار در تعاملات انسانی اهمیتی دوچندان یافته است. یکی از عناصر بنیادین و کمتر بررسی شده در نظریه‌های ارتباطی، اصل «تناسب» میان فرستنده پیام و مخاطب است. این اصل به معنای هماهنگی محتوا، لحن، روش و زمان انتقال پیام با شرایط، ویژگی‌ها، پیش‌فرض‌ها و ظرفیت‌های مخاطب تعریف می‌شود؛ با وجود اهمیت آن، بیشتر نظریه‌های رایج ارتباطی همچون مدل شانن، نظریه تبادل اجتماعی، یا نظریه هماهنگی شناختی بیشتر به عناصر فنی و روان‌شناختی پرداخته‌اند تا به اصول ارزشی و اقتضایی پیام‌رسانی.

در اغلب الگوهای ارتباطی، تأکید بر مواردی چون شفاف‌سازی پیام، واکنش به بازخورد، و سازمان‌دهی محتواست، در حالی که مفهوم تناسب به‌عنوان عاملی مؤثر در موفقیت ارتباط، به‌ویژه در حوزه ارتباطات دینی، کمتر به‌صورت مستقل تحلیل شده است. در صورتی که رعایت تناسب می‌تواند به شکل‌گیری معنا و درک مشترک منجر شود و حجیت پیام را در نظر مخاطب تقویت کند.

بیان مسئله

مسئله در این نوشتار آن است که برای اثربخش شدن ارتباط خواه کلامی یا غیر کلامی به اصل تناسب کمتر توجه شده است و بیشتر به مباحثی همچون تصریح به نکته اصلی؛ بیان نکات مهم دیگر؛ اطمینان از درک مخاطب؛ واکنش نسبت به بازخورد آنها و خلاصه کردن مطالب پرداخته شده است (همان، ۱۳۸۶، ص. ۵۶) اضافه بر این برای ارتباط بهینه بستر ایجاد مشابهت معنایی میان فرستنده پیام و مخاطب باید رشد در خور پیدا کند و برای ایجاد مشابهت معنایی توجه به درجه منبع معنا، کیفیت منبع معنا و سطح توان ارتباطی ضروری است. با همه این شاخص‌ها اصل تناسب

سبب تفاهم معنایی و به کمال رساندن ارتباط می‌شود و غرض اصلی فرستنده از برقراری ارتباط؛ با نظر داشت اصل تناسب تأمین می‌گردد و در این مرحله حجت بر مخاطب تمام می‌شود (بیات ص. ۱۷۰). بدین روی می‌توان اصل تناسب را اینگونه تعریف کرد که در مراحل پسینی ارتباط، متغیرهایی که تمام‌کننده مشابهت معنایی بوده و غرض نهایی فرستنده از برقراری ارتباط را تأمین می‌کنند و حجت به واسطه آن بر گیرنده تمام می‌شود تناسب در ارتباط می‌باشند. در این پژوهش به بررسی اموری که از سوی پروردگار در ارتباطات به عنوان تناسب ارتباطی مورد توجه قرار گرفته پرداخته می‌شود. درک پیام‌های الهی در بسترها و با اهداف گوناگون آنها در گرو آشنایی با تناسب‌های موجود در ارتباطات خداوند است. آیا تناسب‌ها در ارتباطات الهی و آنچه در قرآن به عنوان ارتباطات انسانی برشمرده شده است با تناسب‌ها در ارتباطات انسانی متفاوت است و یا ویژگی خالقیت و مخلوقیت در شکل‌گیری طبیعت آن عامل تعیین‌کننده است. روشن است هر انسانی مکلف به درک و کاربست خواست الهی در زیست فردی و اجتماعی خود است این امر تنها از طریق قرآن و با درک مناسبات و تناسب‌ها در کلام خدا میسر است. مسئله در این جا آن است که در تجزیه و تحلیل تعبیر قرآنی چه تناسب‌هایی بوده و در کدام فضای ارتباطاتی تحقق یافته که این گونه بر روح انسان‌ها تأثیرگذاری خاص خود را دارند. از آن‌جا که تنها آفریننده انسان به زوایای روحی آفریده خود احاطه کامل دارد، برای القای خواسته خود و تأثیرگذاری آن به‌ویژه مواردی که جنبه هدایتگری دارد تناسب‌های ویژه‌ای را مورد توجه قرار می‌دهد که شناخت آنها در سرنوشت انسان و سعادت دنیوی و اخروی او کارساز می‌باشد.

تبیین متغیرهای اصل تناسب و شمارش و توضیح برخی از آنها هدف این نوشتار به حساب می‌آید.

این نکته را نباید از نظر دور داشت که اصل تناسب در ارتباطات با لزوم تناسب در برقراری ارتباط متفاوت است و همچنین توجه به این امر لازم است که نظریه تبادل اجتماعی یا نظریه هماهنگی شناختی و یا نظریه نیازهای انسانی مازلو در روانشناسی برای برقراری ارتباطات و مؤثر بودن آن است و نظریه ارتباطات میان‌فرهنگی که بر ضرورت شناخت تفاوت‌های زبانی، نمادین و فرهنگی در ارتباطات میان افراد از فرهنگ‌های مختلف تأکید دارد؛ در حوزه اصل تناسب

قابل طرح است.

پیام‌هایی که با حساسیت فرهنگی طراحی شوند، می‌توانند از سوءتفاهم جلوگیری کرده و تأثیرگذاری را افزایش دهند. در فرهنگ‌های جمع‌گرا، پیام‌هایی که بر همکاری و همبستگی پیش‌فرض آنها باشد، معمولاً مؤثرتر هستند.

در آموزه‌های قرآن کریم، اصول و راهبردهای ارتباطی با تأکید بر ضرورت رعایت تناسب‌ها و اقتضائات مختلف به‌طور خاص بیان شده است. این تناسب‌ها نه تنها در کلام الهی، بلکه در شیوه‌های ارتباطی پیامبران و روابط انسان‌ها با یکدیگر نیز نقشی بنیادین ایفا می‌کنند. قرآن به‌عنوان یک کتاب ارتباطی، الگویی عملی از رعایت تناسب‌ها ارائه داده است.

یکی از نمونه‌های بارز رعایت تناسب در ارتباطات قرآنی، آیه «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» (لقمان: ۱۹) است که بر کنترل لحن و صدا در ارتباطات تأکید دارد. این آیه نشان می‌دهد که انتخاب لحن مناسب می‌تواند به انتقال مؤثرتر پیام کمک کند. همچنین، در آموزه‌های قرآنی به حفظ تناسب در پرسش‌ها و پاسخ‌ها اشاره شده است، به طوری که پرسش‌های غیرضروری یا بی‌مورد می‌توانند به ایجاد سوءتفاهم یا قطع ارتباط منجر شوند.

رعایت تناسب در تعاملات اجتماعی نیز در آیات مختلف قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال، آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل: ۱۲۵) بر استفاده از روش‌های حکیمانه و متناسب با شرایط مخاطب در دعوت به دین تأکید دارد. این آیه نشان‌دهنده لزوم شناخت نیازها و موقعیت‌های افراد برای ایجاد ارتباطات موفق است.

از سوی دیگر، آموزه‌های اسلامی تناسب در ارتباطات را با اصول اخلاقی مانند صداقت، عدالت و احترام ترکیب می‌کنند. صداقت در ارتباطات، همان‌طور که در آیه «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳) ذکر شده است.

در این پژوهش، هدف اصلی بررسی اصول قرآنی در زمینه تناسب‌ها و اقتضائات در ارتباطات است. در این راستا، مدل‌های مختلفی که قرآن برای رعایت تناسب‌ها در تعاملات انسانی ارائه داده، تحلیل خواهد شد. همچنین، راهبردهای ارتباطی قرآن در تعامل با خداوند، پیامبران، شیطان و انسان‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بدین

ترتیب، این پژوهش تلاش می‌کند تا به درک عمیق‌تری از نقش قرآن در هدایت روابط انسانی دست یابد و کاربرد این آموزه‌ها در روابط فردی و اجتماعی را روشن سازد.

سوالات پژوهش

سؤال اصلی

- آموزه‌های قرآنی درباره تناسب در ارتباطات و چارچوب تدوین راهبردهای ارتباطی مؤثر چیست؟

سوالات فرعی

- تناسب در ارتباطات خدا با انسان‌ها چه اموری را در بر می‌گیرند؟

- نقش تناسب در مواجهه با گناه و بازدارندگی در ارتباطات قرآنی چیست؟

- اصول قرآنی مرتبط با تناسب در ارتباطات انسانی چگونه می‌توانند در بهبود ارتباطات میان‌فردی و خانوادگی به کار گرفته شوند؟

- اصل تناسب در ارتباطات کلامی و غیرکلامی در قرآن چگونه مطرح شده است؟

ضرورت پژوهش

راهبرد تناسب، یکی از ویژگی‌های بنیادین قرآن کریم است که نشان‌دهنده نحوه هماهنگی محتوای پیام‌ها و روش‌های ابلاغ آن با شرایط انسانی، اجتماعی و فرهنگی مختلف است. این اصل قرآنی، نه تنها در ارائه مفاهیم اعتقادی و تربیتی مؤثر است، بلکه الگویی برای ارتباطات انسانی ارائه می‌دهد که می‌تواند در عصر حاضر نیز مورد استفاده قرار گیرد. مطالعه تناسب در قرآن کریم از چند جهت حائز اهمیت است:

۱. تحلیل فرهنگی

قرآن کریم با توجه به شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی دوران نزولش، پیام‌های خود را به‌گونه‌ای تنظیم کرده است که برای هر گروه از مخاطبان قابل فهم و مؤثر باشد. به‌عنوان نمونه آیات مکی که در دوره‌ای با مخاطبان عمدتاً مشرک و غیرمسلمان نازل شده‌اند با تناسب استحکام بخشی به باورها و اصول اعتقادی همراه است. این در حالی است که در آیات مدنی، با شکل‌گیری جامعه اسلامی، مسائل مرتبط با روابط

ارتباطات انسانی مؤثر باشند.

۳. مقاله بررسی ویژگی‌های ارتباطات چهارگانه انسانی از منظر قرآن، نگارش فرهاد نادری‌نیا و یاشار اسدیپور؛ این مقاله به بررسی شرایط ارتباطی مطلوب بین انسان‌ها از منظر آیات قرآن کریم پرداخته و به‌طور مشخص به دنبال پاسخ به این پرسش است که نگاه قرآن کریم درباره ارتباطات انسانی چیست.

بررسی مجموعه مطالعات نشان می‌دهد که اگرچه به جنبه‌هایی از ارتباطات مؤثر در قرآن پرداخته شده، اما اصل «تناسب» به‌عنوان یک راهبرد کلان ارتباطی و چارچوب نظری مستقل مورد توجه قرار نگرفته است. هیچ پژوهش مستقلی تا کنون به صورت نظام‌مند به استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل راهبردهای قرآنی بر پایه اصل تناسب نپرداخته است. پژوهش حاضر با تمرکز خاص بر این خلأ، می‌کوشد تا با تحلیل محتوای آیات قرآنی و بررسی روش‌های ارتباطی الهی، مدلی جامع از «راهبردهای تناسب در ارتباطات» از منظر قرآن کریم ارائه دهد.

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع تفسیری، مقالات علمی، و کتاب‌های مرتبط، به بررسی و تحلیل مفهوم راهبرد تناسب در قرآن کریم می‌پردازد. گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کیفی انجام می‌شود و جامعه آماری شامل آیات مرتبط با اصول تناسب در ارتباطات انسانی و اجتماعی است. در این راستا، نمونه‌گیری هدفمند از آیاتی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به این موضوع پرداخته‌اند صورت گرفته و مضامین قرآنی با اصول ارتباطات معاصر مقایسه شده است تا الگوی جامعی ارائه شود.

۱. مفهوم‌شناسی

الف. راهبرد: معنای لغوی راهبرد عبارت است از؛ نقشه، ترفند، راهبرد (فره). هر طرح درازمدت برای هدفی خاص (معین، ۱۳۸۱، ص) و معنای اصطلاحی آن عبارت است از در ارتباط مؤثر قراردادن شرط اثربخشی^۱، ارتباط به‌منظور دستیابی به هدف آن ارتباط است. در همین حال مسئله مناسب‌بودن روش، برای برقراری ارتباط و ارسال پیام نیز مورد توجه قرار گرفته است به این معنا که مسئله ارتباط

اجتماعی، اقتصادی، عبادی و حکومتی مطرح می‌شود. این توجه به ساختار فرهنگی و اجتماعی راهبرد تناسب در انتقال پیام‌های دینی است.

۲. کاربرد معاصر: باتوجه‌به گسترش ارتباطات جهانی و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در دنیای معاصر، مطالعه راهبرد تناسب در قرآن می‌تواند الگویی عملی برای طراحی پیام‌ها و روش‌های ارتباطی در عصر جدید باشد. این پژوهش می‌تواند به تدوین شیوه‌هایی کمک کند که ضمن احترام به تنوع مخاطبان، انتقال مؤثر پیام‌ها را تضمین کند.

۳. تقویت علوم ارتباطات دینی: بررسی راهبرد تناسب در قرآن، به غنای علوم ارتباطات دینی کمک کرده و زمینه‌ساز توسعه روش‌های ابلاغ مؤثر پیام‌های دینی در دنیای امروز خواهد بود.

هدف نهایی این پژوهش، ارائه الگویی نظری برای بسط ارتباطات دینی کارآمد بر پایه تعالیم قرآنی است؛ الگویی که در آن، پیام نه تنها از نظر محتوایی بلکه در قالب، سبک و شرایط بیان نیز با ویژگی‌های مخاطب هماهنگ باشد.

پیشینه پژوهش

به‌عنوان پیشینه پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. تبیین الگوی ارتباطات انسانی اثربخش به‌منظور ارتقای امنیت ملی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی، نگارش سید محسن موسوی، رضا ابراهیم‌زاده دستجردی و علی رشیدپور؛ این پژوهش باهدف تبیین الگوی ارتباطات انسانی اثربخش برای ارتقای امنیت ملی بر اساس آموزه‌های قرآنی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که تحقق ارتباطات انسانی اثربخش مستلزم شناسایی دقیق خصایص خصمانه معاندان و رعایت مؤلفه‌های مدارای ارتباطی است. همچنین، به‌کارگیری استراتژی‌های ارتباطی در برابر معاندان و قاطعیت مبتنی بر احترام می‌تواند نقش مهمی در اثربخشی ارتباطات انسانی بر امنیت ملی ایفا کند.

۲. راهکارها و روش‌های برطرف‌کردن موانع ارتباطات انسانی از منظر قرآن و روایات، نگارش حسین خاکپور، غلامرضا رضوی دوست و مرضیه احمدزاده؛ این مقاله به بررسی راهکارهای برطرف‌کردن موانع ارتباطات انسانی با تأمل در آموزه‌های دینی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سه راهکار بینشی، کنشی و انگیزشی می‌توانند برای بهبود

نظام‌های معنایی مرتبط، همه انواع ارتباطات در کلیتی متشکل از زمان، فضا، منش و موقعیت را ارتباط‌شناسی گویند (محسنیان‌راد، ۱۳۹۹، ص ۸۰). به تعبیر دیگر ارتباط ممکن است گاه از جنس کنش باشد که حاصل آن جریان است؛ مانند آبی که باغبان بر روی گل‌ها می‌پاشد گاه ممکن است به‌صورت فراگرد باشد مشابه تویی که میان دو تنیس‌باز دست‌به‌دست می‌شود و گاه تراکنشی باشد که به‌مراتب پیچیده‌تر از حالت فراگردی است که در آن حتی در بهترین حالت تفکیک بین فرستنده و گیرنده یا ارتباط گر و ارتباط گیر امکان‌پذیر نیست گویا در هر دو جهت ارتباط در یک‌زمان جریان دارد و هر دو طرف یک مکالمه، هم فرستنده و هم گیرنده هستند. (همان، صص ۶۲۸-۶۳۰). باید گفت که در ارتباط هماهنگی و توافق میان فرستنده و دریافت‌کننده پیام شرط شده است و این امر غیر از شرط تناسب است، برای برقراری ارتباط باید پیام کشف شود و این امر به این صورت است که نشانه‌های مورد قبول فرستنده با علائم مورد قبول گیرنده تا حدود قابل‌قبولی بر یکدیگر منطبق باشند (دادگران، ۱۳۹۴، ۲).

یافته‌های پژوهش

در خصوص ارتباط پروردگار با موجودات نوع خاصی از تناسب‌ها را در بر می‌گیرد و در آن‌چه پروردگار درباره ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و موجودات بیان کرده‌اند تناسب‌های ویژه آنها مورد لحاظ قرار گرفته است.

از سوی دیگر دو رویکرد در آیات قرآنی درباره تناسب در ارتباط، مورد بررسی قرار می‌گیرد یکی ضرورت و لزوم رعایت تناسب در برقراری ارتباط از دیدگاه قرآن و دیگری مصادیق و مواردی که در قرآن کریم تناسب‌های خاص در آن ارتباط‌ها را بیان کرده و سفارش به لحاظ آنها کرده است.

۱. قرآن و لزوم رعایت تناسب

در قرآن کریم در موارد خاصی نسبت به لزوم رعایت تناسب‌های مورد نظر، به‌طور مستقیم حکم شده است:

الف. تناسب عدالت در گفتار: در آیه «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» و هرگاه سخنی گویند به عدالت گرایید هرچند درباره خویشاوندان باشد، و به عهد خود وفا کنید. این است سفارش خدا به شما، باشد که متذکر و هوشمند شوید. (انعام: ۱۵۲)

شایسته یا شایستگی در ارتباط^۲ موضوع بااهمیت به حساب آمده است.

ب. تناسب: تناسب را چنین تعریف کرده‌اند: وجه تناسب در آیات و مانند آنها به معنایی بر می‌گردد که میانشان ربط ایجاد می‌کند. این رابط یا عام است یا خاص، عقلی است یا حسی یا تلازم ذهنی، مانند: سبب و مسبب، علت و معلول، نظایر، اضداد و چیزهای دیگری از این قبیل (سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۱۰۸) زمانی که پدری با فرزند خود ارتباط برقرار می‌کند و با او سخن می‌گوید محیطی از ملاحظت پدران را بر آن حاکم می‌سازد تا احساسات فرزند برانگیخته شده و برای این ارتباط انسانی فضای ارتباطی ویژه‌ای حاکم می‌شود، و این تناسب خاص است که شرط اساسی تحقق این ارتباط ویژه است. همچنان که اگر فرزندی با پدر خود ارتباط برقرار کند و با او سخن گوید حشمت و وقار او را در فضای ارتباطی لحاظ می‌کند و بر پایه احترام ویژه به او پیامش را به او منتقل می‌کند که تناسب موجود دو مورد سبب ارتباط آنها شده است و مراد از راهبرد تناسب لزوم رعایت مناسبات پیرامونی که بر محتوای پیام احاطه دارد و یا با آن مرتبط است به‌گونه‌ای که پیام با رعایت آنها به جایگاه ویژه‌اش نائل می‌شود.

پ. قرآن: «این واژه نام‌گرفته است بر کتاب آسمانی که از سوی خدای متعال بر آخرین پیامبر، حضرت محمد(ص)، فرورفته شده است و دارای ویژگی‌های مخصوص به خود است؛ [ویژگی‌هایی] همچون آنکه تمامی حروف و کلمات آن به‌مانند مفاهیم آن وحی بوده و از سوی پروردگار انشا شده و به همان شکل از طریق جبرئیل که فرشته امین الهی بوده بر قلب پیامبر(ص) نازل شده است و آن حضرت نیز مستقیماً همان‌ها را برای مردم تلاوت می‌کردند» (ارزانی، اهتمام، ۱۳۹۴، ص ۹۱). آیات قرآن، پرتاب شده به این عالم نیست؛ بلکه آویزان به این جهان است به‌مانند طنابی که یک سر آن به پروردگار بسته است و یک سر آن در این دنیا به انسان‌ها رسیده است به‌گونه‌ای که هر مقدار انسان‌ها آن را دریابند و بالا روند بیشتر به حقیقت آن و به حق تعالی نزدیک‌تر می‌شوند. در همین راستا، چون فطرت انسان‌ها بر سرشت الهی تنیده شده و قرآن نیز از معبود عالمیان است در ژرفای فطرت رسوخ و با آن هم‌زاد پنداری کرده و سبب می‌شود که صفات الهی در انسان از درون فطرت او شکوفا گردد.

ت. ارتباط‌شناسی: به مطالعه ماهیت جریان، فراگرد یا تراکنش

ب. میانه‌روی در رفتار و گفتار: از جمله آیاتی که به موضوع تناسب و رعایت شرایط در ارتباطات توصیه کرده است عبارت‌اند از آیه «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» و در رفتار میان‌روی اختیار کن و سخن آرام گو (نه با فریاد بلند) که زشت‌ترین صداها صوت الاغ است. (لقمان: ۱۹) (احمدزاده، ۱۳۹۳، شماره ۴۶ و ۴۷) در این آیه حضرت لقمان به پسرش دستور می‌دهد که هنگام برقراری ارتباط کلامی تناسب بلندی و کوتاهی صوت و آهنگ آن را مورد توجه قرار دهد و این گونه نیست که صوت بلند که ناموزون و ناهنجار باشد سبب تأثیرگذاری بهتر مفاهیم بشود بلکه شخصیت گوینده را تنزل می‌دهد.

پ. تناسب تبلیغ دین با التزام به مبانی و غلو نکردن: در آیه «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ» ای اهل کتاب، در دین خود اندازه نگه دارید، و درباره خدا جز به راستی سخن نگویید (نساء: ۱۷۱). در این آیه مخاطبان را تحت عنوان نصارا یا یهود مورد خطاب قرار نداد؛ بلکه با عنوان اهل کتاب با آنها سخن راند بدین جهت که الزام ضمنی از آنها گرفت که از مرزها و احکامی که خدا در کتاب آورده عبور نکنند (المیزان، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۴۹) و نکته دیگر مراد از غلو عبورکردن و تجاوز از مرزهای معین شده است و زود هنگام به سطوح دیگر وارد شدن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۲۱) و شیخ طوسی آن را به معنی تجاوز از حق و افراط و زیاده‌روی در دین معنا کرده است (طوسی، ۱۴۲۰، ج ۳ ص ۳۹۹)

تناسب در این آیه بدان صورت است که به اشخاصی که دین و مذهب خاصی دارند هنگام ارتباط تبلیغی و تبیینی از آن دین ملزم باشند و واقعیات آن را ارائه دهند؛ زیرا زیاده‌روی و بالابردن آن دین از سطحی که در آن قرار دارد ابزاری است که در مقام بیان آموزه‌هایی دینی برای جذب و جلب دیگران به آن دین صورت می‌گیرد؛ از این رو قرآن تأکید دارد که در ارتباطات تبلیغی تناسب حق‌گویی و پرهیز از زیاده‌گویی درباره دین باید مورد توجه پیام‌رسانان دینی باشد.

ت. تناسب فرهنگ مخاطب در ارتباط تبلیغی: در این باره در قرآن کریم آمده است (ابراهیم/۴): مراد از شناخت زبان مردم، شناخت فرهنگ آنها و نظر داشت خرده فرهنگ‌هاست. ارتباط تبلیغی با مخاطبان بدون لحاظ تناسب فرهنگی آنها راه به جایی نمی‌برد. افزون بر لزوم رعایت تناسب ارزش‌ها و

لازمه عدالت در ارسال پیام آن است که تناسب‌ها و اقتضائات را رعایت کنند یعنی فراتر از راستی در گفتار امور دیگر که نسبت به مخاطب موجب ستم می‌شود یا حق او را تضییع می‌کند یا لحن نامناسب نسبت به شخصیت او اخذ می‌شود در انتقال پیام مورد توجه باشد اهمیت این امر به گونه‌ای است که دستاویزهایی همچون خوشاوندی با مخاطب نیز نمی‌تواند بهانه‌ای برای رها کردن این تناسب در انتقال پیام باشد. برخی از مفسران ژرف‌اندیش همچون مرحوم علامه طباطبایی بر این نظر هستند که با خوشاوندان به دلیل وجود عاطفه فامیلی، به سود آنها میل پیدا می‌شود و این امر در سخن با آنها موجبات تمایل و جانبداری به سود آنها می‌شود در حالی که نسبت به دیگران این امور رعایت نمی‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷ ص ۳۷۵) در این آیه مسئله حق‌گویی و عدالت در گفتار آمده است نه در رفتار، و این موضوع برای آن است که اگر شخصی رویه و عادتش رعایت حق‌گویی و عدالت در سخن باشد او را به عدالت و حق‌طلبی در رفتار می‌کشاند. (طوسی، ج ۴، ص ۳۱۶) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۹۱)

برخی از مفسران بر این نظرند که این عبارت تنها درباره سخنانی است که قاضی پس از صدور حکم قضایی بیان می‌کند. (طبری، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۶۶۲) و در برابر آن برخی دیگر بر این باورند که به شهادت شاهدان و موارد تبلیغ مبلغان اختصاص ندارد؛ بلکه به تمام گفتارهای انسان مرتبط است. «بل یدخل فيه كل ما يتصل بالقول» (فخر رازی، ج ۱۳، ص ۱۷۹) و در باره عدالت در تبلیغ دین بیان داشته‌اند که تحقق آن به آن است که کلام او دارای زیاده‌گویی نبوده و قابل فهم عموم باشد و در امر به معروف و نهی از منکر به آن است که با اذیت و به وحشت افکندن و یا کمتر از اندازه واجب نباشد. (فخر رازی، همان)

در نتیجه حق‌گویی و انصاف در هر کلامی متناسب با مخاطب و غرض گوینده ترسیم می‌شود و آن چه مهم است مسئله لزوم رعایت تناسب و اقتضائات در هر گفتار است؛ مانند آنکه در هر ارتباط کلامی موضوع عدم تجاوز و عدوان به حقوق افراد یا عدم ابطال آنها یا پنهان‌کردن آنها و پایبند بودن به راستی و درستی در آن چه به بیان شخصیت افراد مربوط می‌شود و یا خیرخواهی برای عموم باید نهفته باشد لیکن اگر عدالت در این آیه شریفه صرفاً به معنای رعایت موازنه میان افراط و تفریط باشد محدوده مفهوم تناسب کاهش می‌یابد.

تناسب نزدیک بودن خدا با انسان دعاکننده هنگام برآوردن خواسته او و یا پاسخگویی مستقیم از سوی خدا به دعای او در هنگام عرضه نیاز و طرح خواسته‌اش به درگاه خدا. در تأیید شکل ارتباط خاص و ویژه خدا با انسان آیه زیر را نیز می‌توان مطرح کرد: (۷۷ / فرقان) قُلْ مَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا (بگو: اگر دعایتان نباشد پروردگارم به شما ارجحی ننهد، پس شما که [قاطعانه آیات خدا و پیامبرش را] تکذیب کردید، [کفر این تکذیب برای همیشه] ملازم [شما] خواهد بود). اگر اهل دعا و تضرع در پیشگاه پروردگار نباشید نزد او قابل اعتنا نخواهید بود.

ب. تناسب قرآن و هدایت:

- هماهنگی قرآن با اهل تقوا: طبق آیات (بقره: آیات ۱ و ۲ و ۳) شریفه «الْمَ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» (این کتاب که هیچ شک در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است. آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز به پا دارند و از هر چه روزی‌شان کردیم به فقیران انفاق کنند). قرآن با پرهیزکاران و متقیان ارتباط هدایتگری برقرار می‌کند هم به دلیل لزوم تناسب مفاهیم قرآنی با اهل تقوا و هم به دلیل آن که باطن آنها می‌تواند با قرآن سنخیت پیدا کرده و ارتباط هدایتی پیدا کند؛ از این رو برحسب این تناسب، شخصی که هدایت فطری خود را از دست نداده و بر اساس آن مشی می‌کند، امکان ارتباط با قرآن برای او فراهم است.

بر اساس آیه شریفه: ۱- «وَأَنَّهُ لَهْدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» و این کتاب خدا برای اهل ایمان هدایت و رحمت کامل است. (نمل: آیه ۷۷)؛ ۲- «إِنَّمَا إِلَهُ الْبَنَاتِ الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ تَقُوا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا» ای اهل ایمان، اگر خدا ترس و پرهیزکار شوید خدا به شما فرقان بخشد (یعنی دیده بصیرت دهد تا به نور باطن حق را از باطل فرق گذارید) (انفال: آیه ۲۹)؛ ۳- «لَيْسَ عَلَيْكُمْ حُدُودٌ وَأَلِيبًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا لِيُتَمَرَّوْا بِمَالِهِمْ فِي سُبُلِ اللَّهِ وَمَا تُحِبُّونَ» (ای رسول بر تو دعوت خلق است و) هدایت خلق بر تو نیست، خدا هر که را خواهد هدایت کند. (بقره: آیه ۲۷۲)؛ ارتباط انذار و بیم دهی هدایتی با کفار که مهر بر قلب و گوش آنها و پرده بر چشمان حقیقت بین آنها نهاده شده است برقرار نمی‌شود زیرا انذار و تأثیرگذاری در حقیقت انسان‌ها که تناسب فطری و انسانی‌شان محفوظ باشد، محقق می‌شود.

- محدودیت هدایت برای افراد نالایق: اگر اشخاصی که قصد

نمادهای فرهنگی، زبان هر فردی نکات ویژه‌ای برای انتقال پیام وجود دارد که تنها اهل آن زبان توان درک آن را دارند و با لطایف و حکمت‌هایی که در آن زبان قابل فهم است، تبلیغ بهینه صورت می‌پذیرد.

ث. لزوم تناسب در پرسش و پاسخ: آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَن شَيْءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُؤُهُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلَ الْقُرْآنُ تُبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ» (مانده: ۱۰۱) ای اهل ایمان، هرگز از چیزهایی مپرسید که اگر فاش گردد شما را زشت و بد می‌آید و غمناک می‌کند، و اگر پرسش آن را به هنگام نزول آیات قرآن واگذارید برای شما (هرچه مصلحت است) آشکار می‌گردد. و خدا بخشنده و بردبار است. در این آیه شریفه قرآن کریم برای فضای ارتباطات حاصل از پرسش و پاسخ، مفید بودن پاسخ را برای بهره‌گیری بهینه از این نوع ارتباط لازم دانسته است. از آنجا که برخی از موضوعات و احکام به سود انسان است که از آنها آگاه نباشد. از این رو در ارتباطات استفهامی که هر انسانی به دنبال درک مجهولات است تناسب احراز مفیدبودن و نداشتن پیامدها در پاسخ باید مورد توجه پرسش‌کننده قرار بگیرد و صرف ندانستن موضوع دلیل بر پرسش از آن نیست در نتیجه مفروض آیه شریفه لزوم نظر داشت تناسب و اقتضائات در ارتباطات ویژه در استفهام است.

۲. تناسب‌ها در ارتباط خدا با بندگان

الف. تناسب در ارتباط خدا با دعاکننده: در آیه ۱۸۶ بقره چنین آمده است: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند، [بگو:] یقیناً من نزدیکم، دعای دعاکننده را زمانی که مرا بخواند اجابت می‌کنم؛ پس باید دعوتم را بپذیرند و به من ایمان آورند، تا [به حق و حقیقت] راه یابند [و به مقصد اعلی برسند]). بر حسب این آیه در ارتباط پروردگار با انسان‌ها به‌ویژه هنگام دعا کردن آنها، تناسب‌هایی که در ساختار ارتباط نقش تعیین‌کننده دارند وجود دارد. منشأ ارتباط خدا با انسان‌ها هنگام پاسخ به دعای انسان‌ها خود خداوند است. در هنگام طلب و درخواست انسان از خدا، جوشش محبت خدا به انسان در این زمان و شوق وافر او به برآوردن خواسته او سبب جلب توجه ویژه او به انسان شده و در ارتباطش با انسان دعاکننده تناسب‌های خاص ایجاد می‌گردد همچون؛

واقعی و نیت صادقانه در زمینه ایمان به خدا و قیامت نداشته باشند، بخواهند با خدا ارتباط برقرار کنند خدا آنها را حیل‌گر دانسته و قلب آنها را بیمار می‌داند. طبق آیات شریفه؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» خدا کافران را (به هیچ راه موفقیتی) راهنمایی نخواهد کرد. (مائده/ ۶۷) «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» و خدا هم هیچ قوم ستمکاری را هدایت نخواهد کرد. (صف/ ۷) و «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» همانا قوم نابکار فاسق را خدا هیچ‌وقت (به راه سعادت) هدایت نخواهد کرد. (منافقون/ ۶) و «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» که خدا البته مردم مسرف (ستمکار) و دروغگو را هرگز هدایت نخواهد کرد. (مؤمن/ ۲۸) آنان که زمینه‌های هدایت را در وجود خود از میان برده‌اند به طوری که سزاواری و لیاقت برای هدایت در آنها مشاهده نمی‌شود، اینان خود مسیر گمراهی را با اراده خودش انتخاب کرده و خدا آنها را در گمراهی پیش می‌برد و در واقع مجازات انتخاب کج‌راهه آن است که در آن مسیر نادرست بیشتر غوطه‌ور شوند. عناصر موجود در نهاد انسان چشمه سارهای فضیلت و حکمت هستند که انسان را به سوی صفات الهی و اتصاف به آنها رهنمون می‌سازد تقوا و اخلاص از عواملی هستند که مانع گل‌آلود شدن چشمه‌سارهای فطرت انسانی هستند و تنها با اراده و تصمیم جدی شخصی در مسیری غیر از هدایت الهی پیموده می‌شود.

ت. تناسب در مواجهه با گناه:

- تناسب شدت نهی با میزان بازدارندگی لازم: در قرآن کریم شدت منع انسان‌ها از انجام گناهان بر اساس بزرگی آنها می‌باشد به طوری که آن دسته از گناهان که درجه بالایی دارند منع و نهی شدیدتری نسبت به آنها وارد شده است مانند ربا؛ در آیات مربوط به ربا مانند آیه «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» آن کسانی که ربا خورند (از قبر در قیامت) برنخیزند جز به مانند آن که به وسوسه شیطان مخبَط و دیوانه شده و آنان بدین سبب در این عمل زشت افتند که گویند فرقی بین تجارت و ربا نیست. (بقره/ ۲۷۵) و آیه «وَدَرُّوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» و زیادی ربا را رها کنید اگر به راستی اهل ایمانید. (بقره/ ۲۷۸) با وجودی که رباخواری حرام بوده است باز هم عده‌ای آن را انجام می‌دادند؛ لذا به جهت کم‌اهمیت دادن به حرمت ربا اقتضا دارد با شدت بسیار با آن برخورد شود؛ لذا این دو آیه به دنبال بیان حرمت ربا نیست به دلیل آنکه از

آنها برمی‌آید که پیش‌تر حرمت ربا بیان گردیده است؛ بلکه از شیوه‌های خاص کلام بهره‌گیری می‌کند که مخاطبی که به این عمل حرام که حرمت آن بسیار شدید است مبادرت می‌ورزد بازداشته شود و به آن عمل نکند به تعبیر دیگر بازدارندگی از این گناه بزرگ تناسب ارتباطی ویژه‌ای است که در نهی از آن مورد لحاظ واقع شده است.

نکته مهم قابل‌استفاده آن است که ربا واقعیتی دارد که نباید در جامعه تحقق یابد و با ظاهرسازی و راهکارهای فریب نسبت به آن نمی‌توان به آن مبادرت نمود در نتیجه لحاظ این تناسب به‌گونه‌ای است که شیوه‌هایی را به انسان تعلیم دهد که برای مخاطبان نسبت به رفتارهای بسیار پلید، بازدارنده باشد.

ث. تناسب در ارتباطات شیطان با انسان:

- رویکرد دشمنی شیطان: در ارتباطات شیطان با انسان تناسب ویژه وجود دارد، حالت دشمنی شیطان با انسان و اهتمام او بر دشمنی‌کردن با انسان پیش‌فرض تمام ارتباطات او با انسان است؛ «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ» شیطان سخت شما را دشمن است شما هم او را دشمن دارید، او حزب و سپاهش را فرامی‌خواند تا همه (مانند او) اهل دوزخ باشند. (فاطر/ ۶)

برخی از مفسران بر این باورند که دشمنی شیطان در جهت گمراه کردن انسان است. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷، ص ۱۸) لیکن روشن است که دشمنی کردن او با انسان در همه جهات زیست انسانی است و در هر جنبه‌ای از زندگی انسان ورود کرده و آنچه به زیان او است در مسیرش قرار می‌دهد تا انتخاب کند. نکته مهم دیگر در تناسب دشمنی در ارتباطات شیطان با انسان آن است که دشمنی کردن غیر از گمراه کردن و مخالفت کردن و به کج راه کشاندن است لذا شیطان در مقام دشمنی کردن تنها هلاکت انسان مورد نظرش نیست بلکه به دنبال تثبیت زجر و شکنجه ابدی برای انسان است از این رو هیچ شخصی از او فراغت نمی‌یابد.

- روش‌های اغواگری شیطان: در آیات دیگر درباره چگونگی ارتباط‌گیری شیطان با انسان آمده است: «ثُمَّ لَا يَأْتِيهِمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» آن‌گاه از پیش روی و از پشت سر و طرف راست و چپ آنان در می‌آیم (و هر یک از قوای عامله و ادراکی آنها را به میل باطل می‌کشم)، و بیشتر آنان را

شکرگزار نعمت نخواهی یافت. (اعراف/ ۱۷)

بنابراین، تناسب در ارتباطات شیطان آن است که در هر ارتباطی پیش فرض و اهتمام بر دشمنی کردن و به شقاوت و بدبختی کشاندن انسان است. گرچه با ظاهر دلسوزانه و خیرخواهانه باشد؛ «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» شیطان بر (دل) آنها سخت احاطه کرده که فکرو ذکر خدا را به کلی از یادشان برده، آنان حزب شیطان‌اند، الا (ای اهل ایمان) بدانید که حزب شیطان به حقیقت زیانکاران عالم‌اند (مجادله / ۱).

در آیه شریفه «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى» شیطان در او وسوسه کرد، گفت: ای آدم آیا (میل داری) تو را بر درخت ابدیت و ملک جاودانی دلالت کنم؟ (طه/ ۱۲۰) به دلیل جاودان طلبی انسان و فطری بودن ابدیت خواهی او شیطان از این راه در آدم رسوخ کرد و وعده درخت ابدیت و ملک جاودانی به او داد تا بتواند وسوسه اش کارساز باشد.

۳. راهبردهای تناسب در ارتباطات انسانی

ارتباطات انسانی توانایی پیچیده‌ای است که موجودات دیگر از آن بی‌بهره‌اند و این ارتباطات مبتنی بر اهداف مشترک است. برقراری ارتباط با یکدیگر بدون درک درست از یکدیگر امکان‌پذیر نیست. از این‌رو؛ لازم است راهبردی متناسب در ارتباطات خود لحاظ کند. در قرآن کریم نیز از یک جهت به تناسب در هر ارتباط به‌طور کلی پرداخته است و از جهت دیگر تناسب‌ها در ارتباط کلامی و تناسب‌ها در ارتباط غیر کلامی را مطرح کرده است.

الف. نگاه کلی قرآنی به تناسب ارتباطات انسانی:

نخست، تناسب تفاوت‌ها در باورها، نگرش‌ها و پذیرا بودن مخاطبان با گیرندگی پیام: در معنای آیه شریفه (احزاب/ ۷۲) «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» آمده است: ما بر آسمانها و زمین و کوه‌های عالم (و قوای عالی و دانی ممکنات) عرض امانت کردیم (و به آنها نور معرفت و طاعت و عشق و محبت کامل حق یا بار تکلیف یا نماز و طهارت یا مقام خلافت و ولایت و امامت را ارائه دادیم) همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند و انسان (ناتوان) آن را بپذیرفت، انسان هم (در مقام آزمایش

و اداء امانت) بسیار ستمکار و نادان بود (که اکثر به راه جهل و عصیان شتافت).

در اصول ارتباطی قرآن این تناسب مفروض است که مخاطب به‌ویژه مخاطب رسانه، انسانی است که امانت‌دار ولایت الهی است و وظیفه دارد با رشد ایمان و انجام اعمال صالح این مقام را در خود تجلی بخشد. در نتیجه این مخاطب دریافت‌کننده‌ای نیست که رفتارها و نگرش‌هایش را تنها بر حسب آورده‌های رسانه، ایجاد و تنظیم می‌کند و از آن‌جا که انسان دارای اختیار بوده و باید رشد مادی و معنوی (اخلاقی) را هدف خود قرار دهد رسانه داده‌هایی در اختیار مخاطب قرار دهد که توان تشخیص کژی و ناسره را در او رشد داده و اسباب خودآگاهی را در او فراهم کند. توضیح آنکه از نگاه قرآنی در ارتباط رسانه با مخاطبان تناسب ویژگی اختیار انسان و لزوم رشد مادی و معنوی او در پرتو این امر باید مورد لحاظ قرار گیرد

در این باره برخی از محققان بیان می‌دارند: بر پایه این نگاه فرستنده و مخاطب هر دو انسان مسئولی هستند که با آزادی اختیار و قدرت تشخیص مسئولیت تصمیمات خود را می‌پذیرند و از هرگونه غفلت اهمال و اباحی‌گری به‌دور هستند (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۸۰).

در مخاطب‌شناسی بر اساس آموزه‌های قرآنی، ویژگی‌های مخاطبان از ابعاد گوناگون در نحوه ارتباط، ارسال و دریافت پیام تأثیر بسزایی دارد. قرآن کریم با تأکید بر تناسب پیام‌ها با شرایط مخاطبان، اصولی را برای برقراری ارتباط مؤثر بیان می‌کند که به شرح زیر قابل تبیین است: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: قرآن به شرایط متفاوت مخاطبان بر اساس سن، جنس، قومیت، مذهب و موقعیت جغرافیایی توجه دارد. برای مثال، تفاوت میان آیات مکی و مدنی نشان‌دهنده هماهنگی پیام‌ها با شرایط جمعیت‌شناختی و نیازهای خاص هر گروه است. در آیات مکی، بیشتر تأکید بر اصول اعتقادی مانند توحید و معاد است، درحالی‌که آیات مدنی به مسائل اجتماعی و حکومتی پرداخته‌اند.

باورها و اعتقادات: تأثیر باورهای مخاطبان در درک پیام، در آیات متعددی مانند «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات/ ۵۵) مشاهده می‌شود. این آیه به اهمیت یادآوری برای مؤمنان اشاره دارد و نشان می‌دهد که تأثیر پیام به باورهای قبلی مخاطبان بستگی دارد. در نتیجه، پیام باید با باورهای مخاطب تناسب داشته باشد.

در معرفت به صفات خدا از پیش تناسب لحاظ شده آن است که به واسطه «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» و «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» در نفس انسانی خمیرمایه صفات الهی تنیده شده است که همان سبب درک انسان از اموری که از صفات الهی منشأ می‌گیرند می‌شود. درک مهربانی به واسطه وجود صفت رحیمیت الهی در انسان است و این خمیرمایه رحیمیت در نفس انسانی تناسبی است که موجب می‌شود هم انسان آن را دریابد و هم بالقوه شکوفایش کرده و به سوی کمالش سوق دهد و این اوصاف الهی در هر نوع ارتباط انسانی از تناسبها می‌باشد مانند آن که این امر فطری (مهربانی) که مشترک میان انسانها است از جمله راهبردهای اصلی است که بدون لحاظ این پیش‌فرض، بسیاری از ارتباطات انسانی شکل نمی‌گیرد.

سوم، تناسب ایمان در ارتباطات مؤمنان: بن‌مایه شکل‌گیری اجتماع بر ساختار ارتباطاتی انسانها است اگر امکان ارتباط انسانها در زمان و محیط واحد نباشد جامعه‌ای به وجود نمی‌آید پدیده‌های اجتماعی و واقعیت‌های جامعه که معطوف به آرمان‌های آن باشد، ریشه در ارتباطات انسانها و ساختار آن دارد بدین معنا که در هر اجتماعی نظام ارتباطی متناسب با آن بر اساس ساختار معین شکل می‌گیرد عناصر سازنده نظام ارتباطی عبارت از ابزار ارتباطات، راه‌های ارتباطی، شرایط مناسب و نامناسب ارتباطات و ارتباطات به هنجار و نابهنجار هستند (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۱۸).

در اسلام از جمله عناصر سازنده نظام ارتباطی جامعه پیوند فکری و فرهنگی مؤمنان بر محور توحید و نفی شرک و جاهلیت است و به تعبیر دیگر در اسلام هدف، شکل‌گیری امت ایمانی است. به موجب آیه «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» و این مردم همه یک دین و متفق الکلمه یک امت شمایند و من یگانه خدای شما هستم، پس از من بترسید (مؤمنون: ۵۲).

در جامعه ایمانی همبستگی افراد با یکدیگر چون بر پایه ایمان و باورها است، ارتباط به صورت روحی بوده و میان آنها رابطه ولایت و برادری برقرار می‌شود و در سرنوشت و سبک زندگی یکدیگر تأثیر می‌گذارند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند (توبه/ ۷۱) و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند (حجرات/ ۱۰).

نگرش‌ها: نگرش مخاطبان نسبت به پیام، عامل مهمی در پذیرش یا رد آن است. قرآن برای نگرش‌های مختلف استراتژی‌های متفاوتی ارائه می‌دهد. برای مثال، در ارتباط با مخالفان و معاندان، پیام‌ها با استدلال و دعوت به تفکر همراه است: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/ ۱۱۱). درحالی‌که برای موافقان و مؤمنان، تأکید بر تبیین اهداف و برنامه‌های عملی مشاهده می‌شود.

سطوح مختلف پذیرش پیام: برخی از افراد با هر پیامی در هر زمانی ارتباط برقرار می‌کنند. قرآن به این تفاوت‌ها در پذیرش پیام توجه دارد. برای مثال، در آیه «وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا» (انعام: ۲۵)، به وجود افرادی اشاره دارد که به دلیل موانع درونی، پیام را درک نمی‌کنند. در مقابل، برخی افراد تنها به پیام‌هایی واکنش نشان می‌دهند که مسئله و دغدغه آنها باشد، و قرآن با تأکید بر هدایت فردی این افراد، پیام‌ها را به نیازهای آنان تطبیق می‌دهد.

تناسب پیام با نوع رسانه: قرآن در انتقال پیام، از ابزارهای مختلفی مانند زبان شعر، داستان و خطابه استفاده کرده است. این امر نشان‌دهنده اهمیت نوع رسانه در انتقال پیام است. برای مثال، داستان‌های قرآنی مانند داستان یوسف (سوره یوسف) یا موسی (سوره طه) برای مخاطبانی که با روایت ارتباط بهتری برقرار می‌کنند، انتخاب شده‌اند. در عین حال، آیات خطابی برای تأثیر بر شنوندگان در مجالس عمومی طراحی شده‌اند.

دوم، تناسب فطرت در ارتباطات انسانی: فطرت انسانی غیر از طبیعت انسانی و غریزه انسان است گرچه هر سه در نهاد انسان سرشته شده است، مشهور است که غریزه میان انسان و حیوان مشترک است؛ ولی فطرت ویژگی خاص انسان است. فطرت در انسان هم در احساسات و عواطف و هم در شناخت، خود را ظاهر می‌کند و سبب تحریک انسان به رفتارهای ویژه می‌شود؛ مانند میل به پایداری ابدی، کشف نهنان‌ها، ستایشگری ارزش‌های اخلاقی و انسانی، احترام و تکریم به بزرگان. (ساجدی، ۱۴۰۲، ص ۱۹۴) در این باره حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: خداوند پیامبرانی برگزید تا میثاق فطرت توحیدی را از آنان مطالبه کنند (نهج‌البلاغه: خطبه اول).

نکته مهم در این جا آن است که بسیاری از روش‌های قرآن در انتقال پیام‌ها نیز روشی فطری است مانند آن که

اصول ارزشی و دستورات دینی که قرآن کریم و روایات بیان می‌کند، مورد توجه باشد. یکی از این اصول مهم اصل نفی سلطه کافران بر مسلمانان است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است. (نساء: ۱۴۱) (سلطانی، ۱۳۸۳، ص ۱) از این آیه استفاده می‌شود که خداوند متعال هرگز برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نگذاشته و باز نخواهد گذاشت. (مصطفوی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹) از این رو این تناسب که هر خواسته یا رفتاری که سبب سلطه کافران بر مؤمنان شود مانع ایجاد ارتباط است در حوزه ارتباطات کشور اسلامی با کافران ثابت است.

در ارتباطات میان‌فردی نیز بر پایه آموزه‌های قرآنی انسان مسلمان در روابطش با انسان‌های دیگر باید بر اساس جهان‌بینی او و به هدف جلب رضایت پروردگار باشد بدین جهت در ارتباط با کافر، کفر او تناسب تأثیرگذار در چگونگی ارتباط با او را دارد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید، هرگز نباید کافران را که دشمن من و شما هستید یاران خود برگرفته و طرح دوستی با آنها افکنید در صورتی که آنان به کتابی که بر شما آمد یعنی قرآن حق، سخت کافر شدند، رسول خدا و شما مؤمنان را به جرم ایمان به خدا از وطن خود آواره می‌کنند، پس نباید اگر شما برای جهاد در راه من و طلب رضا و خشنودی من بیرون آمده‌اید پنهانی با آنها دوستی کنید، و من به اسرار نهان و اعمال آشکار شما دانانم، و هر که از شما چنین کند سخت به راه ضلالت شتافته است. (ممتحنه/ ۱)

قال رسول الله صلى الله عليه وآله «يا عبد الله أحب في الله وأبغض في الله وإل في الله وعاد في الله» ای بنده خدا! به‌خاطر خدا دوست بدار، به‌خاطر خدا نفرت داشته باش، به‌خاطر خدا دوستی کن، به‌خاطر خدا دشمنی ورز (شیخ حرعاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۶، ص ۱۷۹).

ششم، تناسب در ارتباطات خاص:

- تناسب ارتباطات والدین و فرزند: بر رابطه میان فرزند با والدین نوع خاصی از ارتباط حاکمیت دارد که بر حسب

در نتیجه وجود چنین عنصری میان انسان‌ها در امت ایمانی، خود تناسب خاصی است که همه افراد در ارتباطات خود آن را لحاظ و تعیین‌کننده قرار می‌دهند نکته مورد توجه آن است که چنین جامعه‌ای تنها در پرتو امام و همسو با خواسته‌های او حرکت کمال‌جو پیدا می‌کند.

چهارم، تناسب درک‌گیرنده از صداقت فرستنده در پیام‌های ارزشی و دینی: پیام‌هایی که برای تأثیرگذاری و تغییر در رفتار گیرنده ارسال می‌شود تنها انتقال داده هدف آن نیست؛ زیرا ویژگی ماهوی پیام‌های دینی و ارزشی به‌گونه‌ای است که مخاطب باید صداقت فرستنده را نسبت به پیام دریابد و این درک عموماً با پابندی رفتاری و عملی او به گفته‌هایش احراز می‌شود در نتیجه از اصول اساسی ارتباطی پیام‌های ارزشی و دینی تناسب درک مخاطب از صداقت گوینده است. در آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا» در جهان کدام شخص نیک‌گفتارتر است از آن کس که (چون پیغمبران) خلق را به سوی خدا خواند و نیکوکار گردید. (فصلت/ ۳۳)

و از آنجا که شاعران در زمان پیامبر^(ص) به دنبال القای ارزش‌ها بر مردم بودند قرآن کریم در مذمت آنها بیان می‌دارد «وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ» و آنها بسیار سخنان می‌گویند که یکی را عمل نمی‌کنند. (شعراء/ ۲۲۶) و در آیه «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» این رفتار که سخن بگویید و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می‌آورد. (صف/ ۳)

پیامبر^(ص) ابلاغ و ارسال پیام الهی را باحالت دلسوزی برای مخاطبان و خیرخواهی برای آنها درهم‌آمیخته بود؛ زیرا این مفاهیم با چنین اقتضائاتی باید همراه باشد تا هدف اصلی از آن محقق گردد. همچنان که در فرستادن پیام برای کفار یعنی کسانی که با درک پیام رسالت و محتوای تبلیغ پیامبر^(ص) با آن عناد ورزیدند آن را محفوف به ملاحظت و مهربانی نمی‌کرد و با نوعی اقتدار و خودباوری و پایداری همراهی می‌کرد و در درون خود میل را از آنها رو می‌گرداند و به آنها اتکا نمی‌کرد.

پنجم، تناسب کفر و اسلام در ارتباطات انسانی: ارتباطات گسترده در دنیای امروز بین کشورها و ملت‌ها امری متداول و ضروری شده است. از این رو مسلمانان نیز از داشتن رابطه با کشورهای بیگانه و ملت‌های غیرمسلمان گریزی ندارند. درعین حال در این ارتباط علاوه بر حفظ منافع، لازم است

ب. تناسب در ارتباطات کلامی و غیرکلامی نخست، تناسب در ارتباطات کلامی:

- لطافت و ملایمت در بیان پیام‌ها: تناسب مورد توجه در قرآن در خصوص ارتباط کلامی در مقام دعوت به حق و تبلیغ دین، لطافت و نرمی در محتوا و شکل سخن است. در آیه «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» و با او کمال آرامی و نرمی سخن گوید، باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد (و ترک ظلم کند). (طه/ ۴۴) خدا خطاب به حضرت موسی و هارون علیهما السلام می‌فرماید: با فرعون با سخن نرم و آرام مکالمه کنید امید است به یاد خدا بیدار شود یا خشوع و فرو هستگی در برابر خدا پیدا کند.

«لین» به معنی نرم و ملایم بوده و درباره اجسام به کار می‌رود و مقابل آن سخت و غیرقابل انعطاف است انسان‌هایی که دارای اخلاق ملایم، آرام، همراه مدارا و انعطاف‌پذیر باشند، لین به حساب می‌آیند و سخن آنان با لحاظ ملایمت، لطیفی، خودداری از خشونت و انعطاف‌پذیری سخنی لین است و سخن لین در برخی از مناسبت‌ها و فضاها مورد ستایش است و در برخی دیگر مذموم شمرده می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۷۵۲) زمانی سخن دارای وصف لین می‌شود که هم در محتوا و هم در شیوه بیان و به‌کارگیری الفاظ دارای لطافت و ملایمت باشد و تندی و درشتی در مفاهیم و شیوه بیان کلمات وجود نداشته باشد.

- قول معروف و حفظ شخصیت مخاطب: در آیه «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» و اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوید. (نساء/ ۵)

خداوند در این آیه فرمان می‌دهد که اموالتان را به دست کم خردان و جاهلان در اداره اموال ندهید لیکن در همین حال در مقام برقراری ارتباط کلامی با آنها تناسب حفظ شخصیت آنها بر حسب جایگاه فردی و اجتماعی آنها را مدنظر قرار دهید در نتیجه در ارتباطات کلامی در این جا تناسب، در امر عدمی است، بدین معنا که ناتوانی‌های گیرنده که جنبه مادی و دنیوی دارند در نوع ارتباط تأثیر نگذارد و شخصیت انسانی تنها تناسب تأثیرگذار بر نوع ارتباط کلامی باشد.

مراد از قول در این آیه، تمام تعبیرهایی است که انسان در مقام بیان مفاهیم به‌وسیله سخن گفتن ظاهر می‌کند. (قرشی

دستورات قرآنی فرزند در برابر والدین باید درجه بالایی از فروتنی و خضوع را داشته باشد. این فضای خاص که بر رابطه آنها حاکمیت دارد به گونه‌ای است که بر ارتباط انتقال پیام میان آنها تأثیر می‌گذارد

از آیات قرآن در این باره دو نمونه را می‌آوریم:
- وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (اسرا/ ۲۴)
- و از روی مهربانی و لطف، بال تواضع خویش را برای آنان فرود آور و بگو: پروردگارا! بر آن دو رحمت آور، همان گونه که مرا در کودکی تربیت کردند.
- فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٍ وَلَا تَنْهَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسرا / ۲۳)

- به پدر و مادر «اف» مگو و آنان را از خود مران و با آنان سنجیده و بزرگوارانه سخن بگو.

بنابراین تناسب مورد نظر قرآن خصوص ارتباط فرزندان با والدین رعایت فروتنی و فروشنگی در انتقال پیام‌ها می‌باشد و از هرگونه امری که نشانه تکبر و عدم ملایمت باشد ضروری است که دوری نمایند و مهتر آنکه بر اساس آیه شریفه قل لهما قولا کریم و وصف کرامت در گفتار بیانگر امر است که تناسب در ارتباط با والدین لزوم حفظ کرامت‌های والا برای آنها می‌باشد

- تناسب خویشاوندی در ارتباطات بستگان با هم: در خصوص ارتباطات و اشخاصی که با هم رابطه فامیلی و خویشاوندی دارند قرآن فرمان به رعایت تناسب خاص کرده است. آن تناسب بر پایه جلب محبت، دوری از قطع رابطه و احسان نهاده شده است. اولویت دادن به خویشاوندان در هر احسان و کمک مالی و غیرمالی از جمله تناسب‌ها در ارتباط با آنها است: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ» و نیکی کنید درباره پدر و مادر و خویشان. (بقره: ۸۳) «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ» اگر دارای متاع دنیاست وصیت کند برای پدر و مادر و خویشان. (بقره: ۱۸۰) «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ» بگو: هر چه از مال خود انفاق کنید درباره پدر و مادر و خویشان. (بقره: ۲۱۵) «فَاتِّبِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» پس حقوق ارحام و خویشان. (روم: ۳۸) «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ» و هم به آنچه خدا امر به پیوند آن کرده (مانند صله رحم و محبت اهل ایمان و علم) می‌پیوندند و از خدای خود می‌ترسند و از سختی هنگام حساب می‌اندیشند. (رعد: ۲۱)

به‌طور مسلم برای انسانیت مردها ناهنجار به حساب می‌آید . نکته مهم آن است که تناسب موجود در زنان با تصویری که از آنها در ذهن مردان شکل می‌گیرد سبب آن تأثیر در مردان است و قرآن این تناسب را به ظرافت مورد توجه قرار داده است در همین راستا نگاه زنان به مردان را نیز مورد نهی قرار داده است.

یا در آیه «وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ» و آن ظالمان را بنگری که به دوزخشان متوجه گردانند و آنها با ترس و ذلت از گوشه چشم (بر آتش دوزخ) می‌نگرند. (شوری: ۴۵)

با نگاه زیر چشمی (گوشه چشمی) جهنمیان به آتش دوزخ می‌نگرند همچنان که در آیه شریفه آمده است، این نوع نگاه نمایانگر حالت ترس و وحشت و دلهره آنها از آتش جهنم است؛ از این‌رو به دلیل تناسب آن آتش با پیام‌هایی که به جهنمیان ارسال می‌دارند سبب چنین خواری و زبونی می‌گردد که به خود جرات نمی‌دهند با نگاه و چشم کاملاً باز به جهنم نگاه کنند و روشن است هر آتشی چنین ویژگی ندارد؛ بلکه آن آتش جهنم به دلیل تناسب خاصی که در آن وجود دارد چنین پیام دهشتناکی را به دوزخیان منتقل می‌کند.

- ارتباط بویایی: دانشمندان علم ارتباطات بر این باورند تأثیر عطر و بو واکنش‌های عاطفی و حتی فیزیکی افراد و حیوانات را تحریک می‌کند بویی که از فرد به مشام سایرین می‌رسد یا عطری که وی استعمال می‌کند در ارتباطات اجتماعی حاوی پیام‌هایی است که به دیگران منتقل می‌شود که دارای حالت طرد یا جذب سایرین به سمت او می‌گردند. (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷، ص ۵۰۸)

به‌کاربردن بوهای ملایم و مطبوع از ابزار ارتباطی میان انسان‌ها محسوب می‌گردد به‌طوری که در مخاطبان حالت بهجت و شادی ایجاد می‌کند و اگر نامطبوع و آزاردهنده باشد باعث تنفر و دوری می‌شود؛ از این‌رو تناسب موجود در بوها هنگام به‌کارگیری آنها برای انتقال پیام نقش مهم در تأثیرگذاری آن دارد. در این باره حضرت یعقوب علیه‌السلام در آیه «وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعَيْرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ» و چون کاروان از مصر بیرون آمد یعقوب گفت: اگر مرا تخطئه نکنید من بوی یوسف را می‌شنوم. (یوسف: ۹۴)

چون کاروان برادران یوسف از مصر به‌سوی کنعان

بنایی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۴۵) و مراد از معروف هر رفتاری است که درستی و نیکویی آن با شرع و عقل ثابت و آشکار شده باشد. (طریحی، ج ۵، ص ۹۳) و برخی دیگر هر امری را که فطرت انسان آن را درست و خوب بداند، معروف دانسته‌اند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۲۷)

در نتیجه قول معروف هر سخنی است که پسندیده بودن آن برای عموم خردورزان آشکار باشد، یعنی اهل خرد آن را سخنی شایسته، مناسب و خوب می‌شمارند و بر حسب دستور قرآن، انسان‌ها در ارتباطات کلامی، لازم است ویژگی‌های شخصیتی مخاطب را مورد توجه قرار داده و گفتاری که اهل خرد با آن شخصیت، پسندیده و شایسته می‌دانند، بیان کنند.

دوم، تناسب در ارتباطات غیرکلامی:

قرآن کریم علاوه بر پیام‌های کلامی دارای پیام‌های غیرکلامی بسیاری است و برای پرده‌برداری از ارتباطات غیرکلامی قرآن نیاز به روش‌شناسی خاص است. (محققیان، ۱۳۹۴، ص ۱۳۰) و برخی از آنها عبارتند از:

- ارتباط چشمی و پیام‌های بصری: مطالعه درباره تماس چشمی را در ارتباطات بصری یا ارتباطات چشمی نامیده‌اند. (فرهنگی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۹۲) در ارتباطات دیدن اهمیت خاصی دارد، آموزه‌های ارتباطی در قرآن کریم توجه بیشتری به ارتباطات چشمی داشته است.

«وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» و خدا شما را از بطن مادران بیرون آورد در حالی که هیچ نمی‌دانستید و به شما گوش و چشم و قلب اعطا کرد تا مگر (دانا شوید و) شکر (این نعمتها) به جای آرید. (نحل/ ۷۸) از این‌رو در آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ» (ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است، و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است. و زنان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند. (نور/ ۳۱ و ۳۰)

فرمان قرآن به مردان مؤمن که چشم‌هایشان را فروهسته دارند بدین دلیل است که با نگاه به زنان پیامی به مردان منتقل می‌شود که ره‌آورد آن را خداوند ناپسند می‌شمارد و

و گفتارها و حتی در چگونگی تعامل با دیگران، از جمله دوستان و دشمنان، مورد تأکید قرار گرفته است. آموزه‌های قرآن نشان می‌دهند که رعایت تناسب در ارتباطات انسانی می‌تواند به تحقق رشد فردی و اجتماعی کمک کرده و از انحرافات و گمراهی‌ها جلوگیری نماید.

در ارتباطات میان انسان‌ها، قرآن کریم بر میانه‌روی در رفتار و کلام تأکید دارد و نیز اهمیت توجه به شرایط و موقعیت‌های خاص در تعاملات انسانی را مورد اشاره قرار می‌دهد. به‌ویژه در حوزه ارتباطات دینی و هدایتی، قرآن کریم بر این نکته تأکید می‌کند که هر فردی بر اساس ویژگی‌ها و آمادگی خود برای پذیرش پیام‌های الهی، ظرفیت بهره‌برداری از هدایت را دارد. کسانی که خود را از مسیر هدایت خارج کرده‌اند، به‌طور طبیعی از تأثیر این پیام‌ها بی‌نصیب خواهند ماند. این اصل نشان‌دهنده اهمیت تناسب در انتخاب شیوه‌های تبلیغی و پیام‌های دینی است. یکی از اصول کلیدی قرآن در ارتباطات، اهمیت «تناسب با فطرت انسانی» است. قرآن بر این نکته تأکید می‌کند که ارتباطات باید بر پایه فطرت و ویژگی‌های ذاتی انسان‌ها برقرار شوند. این فطرت انسانی به‌طور خاص در زمینه‌های ارتباط دینی و اخلاقی باید مورد توجه قرار گیرد، به‌طوری که افراد بتوانند در مسیر کمال مادی و معنوی خود قرار گیرند. این امر به‌ویژه در زمینه استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی اهمیت دارد، چراکه باید به مخاطبان داده‌هایی ارائه شود که منطبق بر فطرت آنان بوده و آنها را در تشخیص صحیح و رشد خودآگاهی یاری کند.

در این میان، قرآن به اهمیت «تناسب ایمان در ارتباطات» نیز اشاره دارد. قرآن برای شکل‌گیری روابط انسانی مؤثر، پیوند ایمان و فرهنگ توحیدی را به‌عنوان اصل کلیدی مطرح می‌کند. در یک جامعه ایمانی، ارتباطات بر مبنای اصولی همچون همبستگی، ولایت و برادری شکل می‌گیرد که در آن هر فرد مسئولیت‌پذیر بوده و باید در ارتباطات خود این اصول را حفظ کند. این اصل در کنار تأکید بر صداقت در پیام‌ها و تطابق آنها با عمل فرستنده، برای حفظ صحت و اعتبار ارتباطات ضروری است.

به‌علاوه، قرآن بر «تناسب درک گیرنده از صداقت فرستنده» تأکید می‌کند. در ارتباطات دینی و اخلاقی، پیام‌ها باید با عملی که فرستنده انجام می‌دهد هم‌راستا باشد، تا مخاطب از صداقت و درستی پیام آگاه شود و بر اساس آن

بیرون آمد پدر آنها حضرت یعقوب در کنعان فرمود که اگر من را تخطئه نمی‌کند من بوی یوسف را حس می‌کنم. با نشانه‌شناسی این واقعه مشخص می‌شود که این استشمام بوی یوسف تناسب‌های فراق و محنت حضرت یعقوب علیه‌السلام در بردارنده پیام دوران وصال به یوسف و گشایش برای حضرت یعقوب علیه‌السلام است.

در آیات «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٌ» پس (بدانید آن که بمیرد) اگر از قربان درگاه خداست. آنجا در آسایش و نعمت و بهشت ابدی است. (واقعه: ۸۸ و ۸۹) ریحان به هر گیاه معطر می‌گویند؛ مانند نعنا، پونه و ریحان. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۹۸) تناسب بوی مطبوع و فرح‌بخش با پاداش قربان این پیام را دارد که تمام آنچه آسایش همراه با فرح و دلپذیری است نصیب قربان است.

- ارتباط بساوی (لامسه): ابتدایی‌ترین شکل ارتباطات، ارتباط بساوی است. انسان در ابتدا برای تعامل با محیط از لمس کردن استفاده می‌نماید، مانند نوازش مادر برای فرزند که احساس امنیت و آرامش در پی دارد. (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۷، ص ۲۹۷) لمس کردن از جمله نموده‌های رمزگانی است که برای ارتباط مؤثر انسانی، دیرینه نخستین دارد انسان‌ها پیش از نوع ابزار ارتباطی دریافتن با لمس کردن می‌توان احساسات و یا پیام‌ها معنایی و غیرمعنایی را به یکدیگر انتقال داد. آیه «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» آن کسانی که ربا خورند (از قبر در قیامت) برنخیزند جز به‌مانند آن که به وسوسه شیطان مخبَّط و دیوانه شده‌اند. (بقره: ۲۷۵) رباخواران به‌گونه‌ای به پا می‌خیزند و حرکت می‌کنند که گویا شیطان بر اثر تماس، آنها را کم‌عقل و دیوانه کرده است. در این آیه به‌تناسب که شیطان تنها از راه وسوسه کارهایش را به انجام می‌رساند و تناسب رباخواری و بروز بی‌خردی این پیام را می‌رساند که وسوسه شیطان آن‌قدر بر رباخوار تأثیر مستقیم و محسوس دارند گویا او را لمس کرده است و اثر این لمس، نابسامان ذهنی شدن انسان رباخوار است.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم در تمامی ابعاد ارتباطات انسانی به رعایت تناسب‌ها و اقتضانات آنها تأکید ویژه‌ای دارد. این تناسب‌ها نه‌تنها در انتخاب پیام‌ها و شیوه‌های بیان آنها، بلکه در رفتارها

بپردازند.

قرآن همچنین در تناسب میان فردی، برای تناسب ارتباطات والدین و فرزندان، اصول خاصی را بیان می‌کند. همچون لزوم فروتنی و فروهستگی در ارتباط کلامی و غیر کلامی فرزندان با والدین از جمله راهبرد تناسب در این حوزه است. ارتباط والدین با فرزندان بر پایه اصل تناسب انصاف، عدالت و خیرخواهی اخروی و دنیوی باشد. در قرآن در ارتباط کلامی تناسب لطافت و نرمی در محتوا و شکل سخن و حفظ شخصیت انسانی مخاطب مورد توجه قرار گرفته است و برای تناسب در ارتباط غیرکلامی نیز جایگاه خاص و تأثیرگذار قائل شده است.

عمل کند. این اصل نه تنها بر لزوم راست‌گویی و هم‌راستایی گفتار و کردار تأکید دارد، بلکه به ارتباطات انسانی در سطحی عمیق‌تر و معنادارتر نیز نظر دارد.

در مورد «تناسب کفر و اسلام در ارتباطات»، قرآن رویکرد خاصی را برای تعامل با غیرمسلمانان مطرح می‌کند. در این زمینه، تأکید قرآن بر آن است که روابط با کافران نباید به گونه‌ای باشد که منجر به سلطه‌پذیری مسلمانان گردد. در ارتباطات میان مسلمانان و غیرمسلمانان، باید اصول متناسب رعایت شود تا از آسیب‌های احتمالی جلوگیری شود و در عین حال، مسلمانان بتوانند به‌طور مؤثر پیام خود را منتقل کرده و با حفظ اصول دینی، به تعاملات انسانی

پی‌نوشت‌ها

1. Communication Competence

فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰)، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم: انتشارات فاطمه الزهرا.
- صبحی صالح (۱۳۷۸)، *نهج البلاغه*، ترجمه آیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ارزانی، حبیب‌رضا؛ اهتمام، حامد (۱۳۹۴)، احتمال الگوی ارتباطات میان‌فرهنگی مسلمانان با مسیحیان، *نشریه الهیات تطبیقی*.
- احمدزاده، سید مصطفی (۱۳۹۳)، اصول حاکم بر ارتباطات کلامی میان فردی از دیدگاه قرآن، *ماهنامه جهان‌گستر*.
- باستانی، قادر (۱۳۸۶)، *اصول و تکنیک‌های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران*، ققنوس.
- بیات، حجت‌الله (۱۳۹۴)، *دین و مبانی ارتباطات*، دارالحديث.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ه.ق)، *وسایل الشیعه*، دار احیاء التراث العربی.
- دادگران، سید محمد (۱۴۰۲)، *مبانی ارتباطات جمعی*، مروارید.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۵)، *المفردات فی غریب القرآن*، ارومیه: ظرافت.
- ریچموند؛ مک کروسکی (۱۳۹۹)، *رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی*، ترجمه موسوی، فاطمه سادات، دانه.
- ساجدی، ابوالفضل (۱۴۰۲)، *زبان قرآن*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- سلطانی، اسماعیل (۱۳۸۳)، روابط اخلاقی و اجتماعی مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن، *مجله معرفت*.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱ ه.ق)، *اتقان فی علوم القرآن*، دارالکتاب العربی.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، لبنان: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصرخسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۹۷۹)، *مجمع‌البحرین*، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- فرهنگی، علی اکبر و همکاران (۱۳۷۳)، *نظریه‌های ارتباطات سازمانی*، تهران: رسا.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۴۱۲ ه.ق)، *قاموس قرآن*، دارالکتب الاسلامیه.
- لابوم، ژول (۱۳۶۰)، *تفصیل آیات القرآن الحکیم*، کتاب‌فروشی اسلامیه.
- محققیان، زهرا (۱۳۹۴)، *نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در آیات قرآن کریم*، *مجله تحقیقات علوم و قرآن حدیث*.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۹)، *ارتباط‌شناسی*، سروش.

مصطفوی، سید محمدکاظم (۱۳۸۴)، *التواعد الفقهية*، المركز العالمی للدراسات الاسلامیة.

معین، محمد؛ علیزاده، عزیزالله (۱۳۸۱)، فرهنگ معین، تهران: آدنا.

یوسفزاده، حسن و همکاران (۱۳۹۴)، *درآمدی بر ارتباطات جمعی از منظر اسلام: الگوی رسانه مطلوب*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).